



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

لیست کامل ابزارآلات به انگلیسی + مثال و ترجمه

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۲۱۲ بازدید | ۱۴۰۴/۱۱/۰۸



در آموزش زبان انگلیسی اگر در سفر، مهاجرت، کارهای فنی یا حتی تعمیرات ساده خانه با ابزار سروکار داشته باشید، دانستن اسم ابزارآلات به انگلیسی کاملاً ضروری است. خیلی وقت‌ها لازم است از کسی یک ابزار بخواهید، دستورالعملی بخوانید یا درباره تعمیر چیزی توضیح بدهید و یا مثلاً ویدیوی تعمیر چیزی به انگلیسی را ببینید. در این مقاله، لیست کامل و دسته‌بندی‌شده‌ی ابزارآلات به انگلیسی را همراه با ترجمه فارسی و مثال‌های کاربردی یاد می‌گیرید تا بتوانید آن‌ها را در مکالمه واقعی استفاده کنید.

ابزارهای پایه و ضروری هر جعبه ابزار

در صورتی که می‌خواهید ابزار کار به انگلیسی و جعبه ابزار به انگلیسی را کامل بشناسید، این بخش برای شماست:

hammer

چکش

I hit the nail with a hammer.

من میخ را با چکش کوبیدم.

screwdriver

پیچ‌گوشتی

Can you give me the screwdriver?

می‌توانی پیچ‌گوشتی را به من بدهی؟

pliers

انبردست

Use the **pliers** to hold the wire tightly.

برای محکم نگه داشتن سیم از انبردست استفاده کن.

wrench

آچار

This **wrench** is too small for the bolt.

این آچار برای آن پیچ خیلی کوچک است.

adjustable wrench

آچار فرانسه

I fixed the pipe with an **adjustable wrench**.

با آچار فرانسه لوله را تعمیر کردم.

saw

اره

He cut the wood with a **saw**.

او چوب را با اره برید.

utility knife

کاتر / تیغ موکت‌بری

Be careful, the **utility knife** is very sharp.

مواظب باش، کاتر خیلی تیز است.

tape measure

متر نواری

Measure the table with a **tape measure**.

میز را با متر نواری اندازه بگیر.

level (spirit level)

تراز

Check the wall with a **level** before drilling.

قبل از سوراخ‌کاری، دیوار را با تراز بررسی کن.

toolbox

جعبه ابزار

All my tools are in the **toolbox**.

همه ابزارهایم داخل جعبه ابزار هستند.

Allen key (Hex key)

آچار آلن

Tighten the screws with an **Allen key**.

پیچ‌ها را با آچار آلن سفت کن.

socket wrench

آچار بکس

He used a **socket wrench** to remove the tire.

او برای باز کردن لاستیک از آچار بکس استفاده کرد.

mallet

چکش لاستیکی

Use a **mallet** so you don't damage the surface.

از چکش لاستیکی استفاده کن تا به سطح آسیب نرزی.

nail

میخ

I need a **nail** to hang this picture.

برای آویزان کردن این عکس به یک میخ نیاز دارم.

screw

پیچ

This **screw** is too long for the shelf.

این پیچ برای قفسه خیلی بلند است.

bolt

پیچ و مهره (پیچ بزرگ صنعتی)

The **bolt** is loose. Tighten it, please.

پیچ شل است. لطفا آن را سفت کن.

nut

مهره

Hold the **nut** while I turn the wrench.

مهره را نگه دار تا من آچار را بچرخانم.

washer

واشر

Put a **washer** under the bolt for better support.

برای استحکام بیشتر یک واشر زیر پیچ بگذار.

drill bit

مته

Choose the right **drill bit** for the wall.

مته مناسب را برای دیوار انتخاب کن.

extension cord

سیم سیار / رابط برق

Plug the drill into the **extension cord**.

دریل را به سیم سیار وصل کن.

flashlight (torch)

چراغ قوه

Use a **flashlight** to see under the sink.

برای دیدن زیر سینک از چراغ قوه استفاده کن.

work gloves

دستکش کار

Always wear **work gloves** for safety.

برای دیدن زیر سینک از چراغ قوه استفاده کن.

safety goggles

عینک ایمنی

Wear **safety goggles** to protect your eyes.

برای محافظت از چشمانت عینک ایمنی بزن.

tool belt

کمربند ابزار

He keeps his tools in a **tool belt**.

او ابزارهایش را در کمربند ابزار نگه می‌دارد.

workbench

میز کار

Put the toolbox on the **workbench**.

جعبه ابزار را روی میز کار بگذار.

بیشتر بخوانید: لغات خانه به انگلیسی

ابزارهای برش، سوراخ‌کاری و شکل‌دهی

اگر در نام ابزارها در انگلیسی برایتان سوال است که مثلاً دریل شارژی به انگلیسی یا مثلاً سوهان و سمباده چه می‌شوند، به این بخش به خوبی دقت کنید:

drill

دریل

He **drilled** a hole in the wall.

او با دریل یک سوراخ در دیوار ایجاد کرد.

cordless drill

دریل شارژی

A **cordless drill** is easier to carry around.

دریل شارژی راحت‌تر قابل حمل است.

drill bit

مته

This **drill bit** is perfect for metal.

این مت‌ه برای فلز عالی است.

jigsaw

اره عمودبر

Use a **jigsaw** to cut curved shapes.

برای برش‌های منحنی از اره عمودبر استفاده کن.

circular saw

اره گردبر

The **circular saw** cuts wood very fast.

اره گردبر چوب را خیلی سریع می‌برد.

handsaw

اره دستی

He cut the branch with a **handsaw**.

او شاخه را با اره دستی برید.

chisel

مغار / اسکنه

The carpenter shaped the wood with a **chisel**.

نجار با مغار چوب را شکل داد.

file

سوهان

Use a **file** to smooth the edges.

برای صاف کردن لبه‌ها از سوهان استفاده کن.

sandpaper

سمباده

Sand the surface with **sandpaper** before painting.

قبل از رنگ زدن، سطح را با سمباده صاف کن.

angle grinder

فرز (سنگ فرز)

He cut the metal with an **angle grinder**.

او فلز را با سنگ فرز برید.

cutter

تیغ برش / کاتر صنعتی

This **cutter** is good for cutting plastic.

این کاتر برای بریدن پلاستیک مناسب است.

hacksaw

اره آهن‌بُر

Use a **hacksaw** to cut the pipe.

برای بریدن لوله از اره آهن‌بُر استفاده کن.

clamp

گیره / پیچ دستی

Hold the wood with a **clamp** while cutting.

هنگام برش، چوب را با گیره نگه دار.

heat gun

سشوار صنعتی

A **heat gun** helps remove old paint.

سشوار صنعتی به جدا کردن رنگ قدیمی کمک می کند.

soldering iron

هویه

He fixed the wires with a **soldering iron**.

او سیم ها را با هویه تعمیر کرد.

knife blade

تیغه

Be careful, the **knife blade** is very sharp.

مواظب باش، تیغه خیلی تیز است.

wire cutter

سیم چین

Cut the cable with a **wire cutter**.

کابل را با سیم چین قطع کن.

staple gun

منگنه کوب

Use a **staple gun** to attach the fabric.

برای وصل کردن پارچه از منگنه کوب استفاده کن.

scraper

کاردک / لیسسه

Use a **scraper** to remove the old glue.

برای برداشتن چسب قدیمی از کاردک استفاده کن.

polisher

دستگاه پولیش

He used a **polisher** to make the surface shiny.

او از دستگاه پولیش استفاده کرد تا سطح براق شود.

ابزارهای اندازه‌گیری و دقت

ruler

خط‌کش

Use a **ruler** to draw a straight line.

برای کشیدن یک خط صاف از خط‌کش استفاده کن.

measuring tape

متر اندازه‌گیری

The **measuring tape** shows two meters.

متر اندازه‌گیری دو متر را نشان می‌دهد.

laser level

تراز لیزری

A **laser level** helps you hang pictures evenly.

تراز لیزری کمک می‌کند عکس‌ها را صاف نصب کنی.

square

گونیا

Check the corners with a **square**.

گوشه‌ها را با گونیا بررسی کن.

protractor

نقاله

Use a **protractor** to measure the angle.

برای اندازه‌گیری زاویه از نقاله استفاده کن.

caliper

کولیس

This **caliper** measures very small distances.

این کولیس فاصله‌های خیلی کوچک را اندازه می‌گیرد.

micrometer

میکرومتر

A **micrometer** is more accurate than a ruler.

میکرومتر از خط‌کش دقیق‌تر است.

stud finder

یابنده تیرک دیوار / فلزیاب دیوار

Use a **stud finder** before drilling the wall.

قبل از سوراخ کاری دیوار از یابنده تیرک استفاده کن.

gauge

گیج / درجه سنج

Check the pressure with the **gauge**.

فشار را با گیج بررسی کن.

thermometer

دماسنج

The **thermometer** shows the room temperature.

دماسنج دمای اتاق را نشان می دهد.

spirit level

تراز حبابی

Put the shelf straight using a **spirit level**.

با تراز حبابی قفسه را صاف نصب کن.

marking pencil

مداد علامت‌گذاری

Mark the cutting line with a **marking pencil**.

خط برش را با مداد علامت‌گذاری مشخص کن.

chalk line

ریسمان رنگی / خط‌کش ریسمانی

Snap a **chalk line** to mark a long straight line.

برای مشخص کردن یک خط صاف بلند از ریسمان رنگی استفاده کن.

compass

پرگار

Draw a circle with a **compass**.

با پرگار یک دایره بکش.

timer

تایمر

Set the **timer** for ten minutes.

تایمر را روی ده دقیقه تنظیم کن.

ابزارهای برقی و کارگاهی پیشرفته

air compressor

کمپرسور هوا

The **air compressor** powers the paint sprayer.

کمپرسور هوا دستگاه رنگ پاش را به کار می‌اندازد.

nail gun

میخ کوب بادی

A **nail gun** saves a lot of time.

میخ کوب بادی زمان زیادی را صرفه جویی می کند.

paint sprayer

رنگ پاش

He painted the wall with a **paint sprayer**.

او دیوار را با رنگ پاش رنگ کرد.

chainsaw

اره زنجیری

Use a **chainsaw** to cut thick logs.

برای بریدن تنه های ضخیم از اره زنجیری استفاده کن.

bench grinder

سنگ رومیزی

Sharpen the blade with a **bench grinder**.

تیغه را با سنگ رومیزی تیز کن.

table saw

اره میزی

The **table saw** makes very straight cuts.

اره میزی برش‌های خیلی صاف ایجاد می‌کند.

belt sander

سمباده نواری

Smooth the wood with a **belt sander**.

چوب را با سمباده نواری صاف کن.

power washer

کارواش پرفشار

Clean the floor using a **power washer**.

کف را با کارواش پرفشار تمیز کن.

generator

ژنراتور / برق اضطراری

The **generator** provides electricity during outages.

ژنراتور هنگام قطع برق، برق تأمین می‌کند.

work light

چراغ کارگاهی

Turn on the **work light** to see better.

چراغ کارگاهی را روشن کن تا بهتر ببینی.

extension reel

قرقره کابل برق

Unroll the **extension reel** carefully.

قرقره کابل برق را با دقت باز کن.

jackhammer

پیکور / چکش تخریب

They used a **jackhammer** to break the concrete.

آن‌ها با پیکور بتن را شکستند.

concrete mixer

بتونیر / میکسر بتن

The **concrete mixer** blends cement and sand.

بتونیر سیمان و شن را مخلوط می‌کند.

welding machine

دستگاه جوش

He repaired the gate with a **welding machine**.

او دروازه را با دستگاه جوش تعمیر کرد.

ladder

نردبان

Climb the **ladder** carefully.

با احتیاط از نردبان بالا برو.

work platform

سکوی کار

Stand on the **work platform** for safety.

برای ایمنی روی سکوی کار بایست.

dust extractor

مکنده گرد و غبار صنعتی

The **dust extractor** keeps the workshop clean.

مکنده گرد و غبار کارگاه را تمیز نگه می‌دارد.

tool cart

چرخ دستی ابزار

Move the tools with the **tool cart**.

ابزارها را با چرخ دستی ابزار جابه‌جا کن.

battery pack

باتری یدکی

Keep an extra **battery pack** for the drill.

یک باتری یدکی برای دریل نگه دار.

switch box

جعبه برق / تابلو برق

Turn off the power at the **switch box**.

برق را از تابلو برق قطع کن.

ابزارهای تعمیرات خانگی و نصب

caulking gun

گان درزگیر / چسب سیلیکون زن

Use a **caulking gun** to seal the gap.

برای بستن درز از گان درزگیر استفاده کن.

putty knife

کاردک بتونه

Spread the putty with a **putty knife**.

بتونه را با کاردک پخش کن.

paint roller

غلطک نقاشی

He painted the wall with a **paint roller**.

او دیوار را با غلطک رنگ کرد.

paintbrush

قلم‌مو

Use a small **paintbrush** for the corners.

برای گوشه‌ها از یک قلم‌موی کوچک استفاده کن.

bucket

سطل

Fill the **bucket** with water.

سطل را با آب پر کن.

sponge

اسفنج

Clean the tiles with a **sponge**.

کاشی‌ها را با اسفنج تمیز کن.

scrub brush

برس زبر / فرچه

Use a **scrub brush** to remove the stains.

برای پاک کردن لکه‌ها از فرچه استفاده کن.

plunger

تلمبه لوله‌بازکن

The **plunger** fixed the clogged sink.

تلمبه لوله‌بازکن گرفتگی سینک را برطرف کرد.

pipe wrench

آچار لوله‌گیر

Tighten the pipe with a **pipe wrench**.

لوله را با آچار لوله گیر سفت کن.

trowel

ماله / کمچه

Use a **trowel** to apply the cement.

برای پخش سیمان از ماله استفاده کن.

glue

چسب

Apply some **glue** to the broken part.

کمی چسب روی قسمت شکسته بزن.

tape

نوار چسب

Stick the poster with **tape**.

پوستر را با نوار چسب بچسبان.

masking tape

چسب کاغذی

Use **masking tape** before painting.

قبل از رنگ آمیزی از چسب کاغذی استفاده کن.

screw anchor (Wall plug)

رول پلاک

Put a **screw anchor** in the wall first.

اول رول پلاک را داخل دیوار بگذار.

wire stripper

سیم لخت کن

Use a **wire stripper** to remove the plastic cover.

برای برداشتن روکش پلاستیکی از سیم لخت کن استفاده کن.

voltage tester

فازمتر / تستر برق

Check the socket with a **voltage tester**.

پریز را با فازمتر بررسی کن.

step stool

چهارپایه

Stand on the **step stool** to reach the shelf.

برای رسیدن به قفسه روی چهارپایه بایست.

drop cloth

روکش محافظ / پارچه زیرانداز نقاشی

Cover the floor with a **drop cloth**.

کف را با پارچه محافظ بپوشان.

sealant

درزگیر / ماستیک

This **sealant** prevents water leaks.

این درزگیر از نشت آب جلوگیری می‌کند.

toolkit

ست ابزار

Every home should have a basic **toolkit**.

هر خانه‌ای باید یک ست ابزار پایه داشته باشد.

بیشتر بخوانید: آموزش لباس‌ها به انگلیسی

ابزارهای باغبانی و فضای باز

shovel

بیل

He dug a hole with a **shovel**.

او با بیل یک گودال کند.

spade

بیلچه تخت / بیل باغبانی

Use a **spade** to move the soil.

برای جابه جا کردن خاک از بیلچه استفاده کن.

rake

شن کش / چنگک باغبانی

Rake the leaves into a pile.

برگ ها را با شن کش جمع کن.

hoe

کلنگ باغبانی / علف‌کش

Use a **hoe** to remove the weeds.

برای از بین بردن علف‌های هرز از کلنگ باغبانی استفاده کن.

pruning shears

قیچی باغبانی

Cut the small branches with **pruning shears**.

شاخه‌های کوچک را با قیچی باغبانی ببر.

hedge trimmer

شمشادزن / قیچی برقی پرچین

The **hedge trimmer** shapes the bushes neatly.

شمشادزن بوته‌ها را مرتب شکل می‌دهد.

watering can

آب پاش

Water the plants with a **watering can**.

گیاهان را با آب پاش آبیاری کن.

garden hose

شلنگ آب

Connect the **garden hose** to the tap.

شلنگ آب را به شیر وصل کن.

sprayer

سم پاش

Use a **sprayer** to protect the plants from insects.

برای محافظت از گیاهان در برابر حشرات از سم پاش استفاده کن.

wheelbarrow

فرغون

Carry the soil with a **wheelbarrow**.

خاک را با فرغون جابه جا کن.

axe

تبر

He chopped the wood with an **axe**.

او با تبر هیزم خرد کرد.

pickaxe

کلنگ

Break the hard ground with a **pickaxe**.

زمین سخت را با کلنگ بشکن.

garden fork

چنگال باغبانی

Loosen the soil with a **garden fork**.

خاک را با چنگال باغبانی نرم کن.

lawn mower

چمن زن

He cuts the grass with a **lawn mower**.

او چمن‌ها را با چمن‌زن کوتاه می‌کند.

leaf blower

دستگاه دمنده برگ

A **leaf blower** cleans the yard quickly.

دستگاه دمنده برگ حیاط را سریع تمیز می‌کند.

gloves

دستکش باغبانی

Wear **gloves** to protect your hands.

برای محافظت از دست‌هایت دستکش بپوش.

boots

چکمه کار

These **boots** keep your feet dry.

این چکمه‌ها پاهایت را خشک نگه می‌دارند.

rope

طناب

Tie the branches with a **rope**.

شاخه‌ها را با طناب ببند.

tarp

برزنت / روکش ضخیم

Cover the wood with a **tarp**.

چوب‌ها را با برزنت بپوشان.

garden cart

گاری باغبانی

Move the plants with a **garden cart**.

گیاهان را با گاری باغبانی جابه‌جا کن.

بیشتر بخوانید: [میوه و سبزیجات به انگلیسی](#)

اصطلاحات و واژه‌های مکمل ابزارآلات در انگلیسی

hardware

یراق‌آلات / قطعات فلزی کوچک

You can buy all the **hardware** at this store.

می توانی همه یراق آلات را از این فروشگاه بخری.

fastener

اتصال دهنده

This **fastener** holds the parts together.

این اتصال دهنده قطعات را کنار هم نگه می دارد.

fixture

اتصال ثابت / بست ثابت

The light **fixture** is attached to the ceiling.

اتصال چراغ به سقف ثابت شده است.

surface

سطح

Clean the **surface** before painting.

قبل از رنگ آمیزی سطح را تمیز کن.

edge

لبه

Be careful with the sharp **edge**.

مواظب لبه تیز باش.

corner

گوشه

Paint the **corners** carefully.

گوشه ها را با دقت رنگ کن.

joint

درز / محل اتصال

The **joint** between the pipes is leaking.

محل اتصال لوله‌ها نشتی دارد.

crack

ترک

There is a **crack** in the wall.

روی دیوار یک ترک وجود دارد.

hole

سوراخ

Drill a **hole** in the center.

در مرکز یک سوراخ ایجاد کن.

thread

رزوه

The **thread** is damaged.

رزوه آسیب دیده است.

tighten

سفت کردن

Tighten the connection firmly.

اتصال را محکم سفت کن.

loosen

شل کردن

Loosen it before removing the part.

قبل از جدا کردن قطعه آن را شل کن.

install

نصب کردن

They **installed** the new sink yesterday.

آن‌ها دیروز سینک جدید را نصب کردند.

remove

جدا کردن / برداشتن

Remove the old paint first.

اول رنگ قدیمی را بردار.

replace

تعویض کردن

Replace the broken part immediately.

قطعه شکسته را فوراً تعویض کن.

repair

تعمیر کردن

He **repaired** the door in an hour.

او در یک ساعت در را تعمیر کرد.

assemble

مونتاژ کردن

Assemble the parts carefully.

قطعات را با دقت مونتاژ کن.

disassemble

باز کردن / دمونتاژ کردن

Disassemble the device step by step.

دستگاه را مرحله به مرحله باز کن.

maintenance

نگهداری / سرویس دوره‌ای

Regular **maintenance** prevents problems.

نگهداری منظم از مشکلات جلوگیری می‌کند.

safety

ایمنی

Safety is very important in the workshop.

ایمنی در کارگاه بسیار مهم است.

instruction manual

دفترچه راهنما

Read the **instruction manual** before using it.

قبل از استفاده دفترچه راهنما را بخوان.

power supply

منبع تغذیه / برق

Turn off the **power supply** first.

اول منبع برق را قطع کن.

workspace

محیط کار

Keep your **workspace** clean and organized.

محیط کارت را تمیز و منظم نگه دار.

portable

قابل حمل

This device is small and **portable**.

این دستگاه کوچک و قابل حمل است.

durable

بادوام

This material is strong and durable.

این متریال محکم و بادوام است.

جملات برای مکالمه انگلیسی در کارگاه

Can you help me fix this?

می تونی کمکم کنی اینو تعمیر کنم؟

Pass me that tool, please.

لطفا اون ابزار رو بده به من.

Hold this for a second.

یه لحظه اینو نگه دار.

This part is broken.

این قطعه خراب شده.

We need to replace this piece.

باید این قطعه رو عوض کنیم.

It doesn't fit properly.

درست جا نمی افته.

Make it tighter.

محکم ترش کن.

It's too tight.

خیلی سفته.

Be careful, it's sharp.

مواظب باش، تیزه.

Turn it slowly.

آروم بچرخونش.

Cut it into two pieces.

به دو قسمت برش بزن.

Measure it again.

دوباره اندازه بگیر.

Check it one more time.

یه بار دیگه بررسیش کن.

It's not straight.

صاف نیست.

Move a little to the left.

کمی به چپ ببرش.

Bring me a bigger one.

یه بزرگ ترشو بیار.

This one is too small.

این یکی خیلی کوچیکه.

Let's start from the top.

بیایم از بالا شروع کنیم.

Clean the area first.

اول اون قسمت رو تمیز کن.

Wait a minute.

یه دقیقه صبر کن.

I think it's ready now.

فکر کنم الان آماده ست.

Test it before using.

قبل از استفاده امتحانش کن.

Something is loose here.

اینجا یه چیزی شله.

Don't touch that.

به اون دست نزن.

Turn off the power.

برق رو قطع کن.

Plug it in.

به برق وصلش کن.

Unplug it first.

اول از برق بکش.

Let me show you how.

بذار نشونت بدم چطوری.

Follow the instructions.

دستورالعمل‌ها رو دنبال کن.

We're done. Good job!

تموم شد. کارت خوب بود!

جمع بندی ابزارها در به انگلیسی

یاد گرفتن اسم ابزارآلات به انگلیسی فقط حفظ چند کلمه نیست؛ بلکه کمک می‌کند در موقعیت‌های واقعی مثل تعمیرات خانه، کارگاه یا پروژه‌های فنی راحت‌تر ارتباط برقرار کنید و دقیق‌تر منظور خودتان را بگویید. در این مقاله سعی کردیم ابزارها را به صورت دسته‌بندی شده، همراه با ترجمه و جمله‌های کاربردی یاد بگیرید. پیشنهاد می‌کنیم واژه‌ها را با مثال‌ها تمرین کنید تا به راحتی در مکالمه روزمره از آن‌ها استفاده کنید.

ابزارآلات به انگلیسی چی میشه؟

کلمه کلی برای ابزارآلات Tools است و به جعبه ابزار Toolbox گفته می‌شود.

مهم‌ترین ابزارهای پایه که باید بلد باشیم کدام‌اند؟

کلماتی مثل drill و hammer، screwdriver، wrench، pliers جزو ضروری‌ترین و پرکاربردترین ابزارها هستند.

تفاوت ابزار دستی و برقی در انگلیسی چیست؟

ابزارهای دستی hand tools و ابزارهای برقی power tools نامیده می‌شوند.

چطور اسم ابزارها را سریع‌تر حفظ کنیم؟

بهتر است هر کلمه را همراه با جمله مثال، تصویر و استفاده واقعی یاد بگیرید، نه فقط حفظ کردن لیست لغت.

این واژگان برای چه موقعیت‌هایی کاربرد دارند؟

برای تعمیرات خانه، کارهای فنی، کارگاه، مهاجرت کاری و صحبت با تعمیرکار یا استادکار بسیار کاربردی هستند.